

امامقلیخان (۲)

فاتح هر موزو پایان زندگی پر افتخار او

خروج دو نقطه حساس ازدست پرتقالیها دایره فعالیت سیاسی و تجاری آنها را تنگ تر نمود و تازه فهمیدند که باملتی آگاه و بیدار و جانباز و حریفی باریک بین روبرو هستند ، ملت ایران دشمنی قوی پنجه را بزانو در آورده بود . دربار اسپانیا ناچار باعزام سفیری بنام دن گارسیا دوسیلوفیگوه را (۱) بدربار ایران گردید ، این شخص در اوائل سال ۱۰۲۳ از اسپانی به سوی ایران حرکت نمود و بازحمات فراوان در ۱۳ جمادی الاولی ۱۰۲۷ خود را باصفهان رسانید و در ۲۵ رجب همین سال در قزوین به نزد شاه عباس باریافت ، پی پترو دولواله (۲) ایتالیائی که در این زمان مقیم ایران بود در سفرنامه اش می نویسد : «چندی بعد از قول سفیر شنیدم که آنروز از جانب فیلیپ سوم در خصوص تصرف جزیره بحرین مرکز صید مروارید و قلعه گمبرون که سپاه ایران ازدست پرتقالیان خارج ساخته اند شکایت کرده بود ولی شاه بی آنکه از موضوع تصرف بندر سخنی گوید ، جواب داده بود که جزیره بحرین را ما از امیر هر موزکه از قدیم تحت الحمايه و خراج گزار ایران بوده است گرفته ایم و این امر مربوط به پرتقالیان که رعایای پادشاه اسپانی هستند نبوده است ، بنابراین جای گله و شکایتی برای پادشاه اسپانی باقی نیست و برخلاف تصور سفیر دولت اسپانی حقی بر جزیره بحرین ندارد. » (۳) سفیر اسپانیا از پاسخ منطقی شاه عباس قانع نگردید ، او وظیفه داشت بهر نحوی شده نظرات دولت اسپانی را به دولت ایران بقبولاند و اگر موفق نشد سلطه و امتیازات ازدست داده را بار

دیگر تحصیل نماید ، حداقل بکسب امتیازات تازهای برای دولت خودموفق گردد و بهمین نیت مجدداً در روز جمعه ۲۰ شعبان بعد از نود و هفت روز معطلی بیدار مجدد شاه نائل آمد و بار دیگر نظر دولت متبوعش را تکرار نمود ، قاطعیت بیان شاه عباس بهرگونه مذاکره‌ای پایان بخشید «شاه جراب داد که مازجزیره بحرین را ازامیر هرموز گرفته‌ایم و مربوط به پرتقالیان نبوده‌است و اگر پرتقالیان پیش‌ازاین درجزیره بحرین باامیر هرموز که مسلمان بوده‌است سروکار داشته‌اند امروز هم باما که مسلمان هستیم سروکار خواهند داشت و از این‌جهت برای ایشان تفاوتی حاصل نشده‌است و گمان ندارم که فائده پادشاه ایران درهمسایگی برای پادشاه اسپانی ازامیر هرموز کمتر باشد، اما راجع به بندر گمبرون باید صریحاً بگویم که این بندر درخاک ایران و کاملاً از قلمرو حکومت پرتغالی هرموز خارج است و من باتصرف این بندر بحقوق کسی تجاوز نکرده‌ام...» (۴)

پاسخهای صریح و بدون حجاب شاه‌عباس نشان میدهد که دربار ایران تاچه حدبه‌این بنادر و جزایر اهمیت میگذاشت و فتوحات امامقلیخان را تأیید مینمود و اعزام سفرائی برای مذاکره در این باب نیز گویای پراهمیت بودن کار امامقلیخان میباشد ، اساساً این سردار تاریخ نمیتوانست دروطن خودشاهد کامیابیهای جانب و تلخکامیهای اقارب باشد و دل به‌رتبه والای امیرالامرائی خوش کند و به‌نظاره بنشیند، امام قلیخان مردفهمیده و بصیر و شایسته‌ای بود و میدانست زمان بهترین فرصت را با وجود شاه‌عباس برای ایران پدید آورده است و ایرانیان بامختصر کوشش و جانبازی خواهند توانست عظمت دیرینه را بچنگ آورده و بر گهای دیگری بر تاریخ زرین خود بیفزایند ، صفحاتی سراسر افتخار و مشحون از خصوصیات مردانگی و خصلت ذاتی و اصالت قومی مردم این سرزمین دیر سال .

شکست پرتقالیها درسیاست و صحنه‌رزم اثر بدهی در روحیه و روش آنها گذاشت ، روزی با در دست داشتن جزیره هرموز خود را مالک الرقاب جهان میشناختند و بدداز ناگامی درسیاست پایه‌های استعمار طلبی خود را لرزان و بی‌ثبات یافتند و برای جلوگیری از فرو ریختن این پایه‌ها بنای بدرفتاری با ایرانیان جزایر و بنادر را نهادند ، هرموز باهمه‌اهمیت سوق‌الجیشی فاقد آب مشروب بود و بناچار پرتقالیها آب شیرین مورد نیاز را میباید از - جزیره قشم

تأمین سازند، و برای اینکه بازم دولت ایران سدرهاشان نشود بدون سر و صدا و برانگیختن احساسات و توجه مردم مخفیانه بساختن دژی در قشم پرداختند ولی حریف هوشیارشان امامقلیخان بوسیله ایادی خویش از ماقع آگاه گردید و بقول اسکندر بیک تر کمان چون «بخود سردر جزیره قشم که جزیره دراز نیز مینامند و منبع آب شیرین است که از آنجا با کشتی نقل شهر مینمایند اراده قلعه ساختن نموده پوشیده و پنهان مصالح عمارت جمع آورده بر سر چشمه منبع آب مذکور قلعه احداث نموده اند، چون این امر مآده عصیان و طغیان کفره مذکور بود منبع و تأدیب ایشان بر ذمت شاهان لازم آمده خان شجاعت نشان امامقلیخان ...» (۵) بر آن شد که شمالی سختی بدانها داده و بایرون کردنشان از جزیره قشم راه آب را هم بر خار جیان به بندد، به بیک ویردی بیک ایشیک آقاسی مأموریت داد تا با سپاهی مجهز به جزیره قشم رفته و در تخریب قلعه پرتقالیها اقدام کند و چنانچه به مسالمت تسلیم نگردیدند با جنگ آنها را از جزیره بیرون نماید، نظر باینکه جزیره قشم از نظر آب آشامیدنی برای پرتقالیها کاملاً جنبه حیاتی داشته است نمیتوانستند بخواسته سردار دلاور فارس تمکین کنند و طبعاً جنگ در می گرفت و اصولاً خان فارس مسالمت را بهانه ای برای جنگ قرار داده بود. پرتقالیها به بیک ویردی بیک ایشیک آقاسی اعتنائی نکرده در همان قلعه تحصن جسته با غازیان بجنگ و جدال پرداختند...» (۶)

امامقلیخان که از عملیات خصمانه عمال پرتغال اطلاع حاصل نمود جریان را به شاه گزارش داد و بعرض رسانید که برای خاتمه دادن این امر مهم بهیچ روی تعلل روان نیست و باید وضع جزیره هر روز را یکطرفه و روشن نموده راه تجاری ایران را با اروپائیان گشود، و چون از شاه اجازه اقدام بدست آورد به تعجیل دست اندر کار شد، آگاهانه اقدامات خود را شروع کرد، برای تحقق یافتن آرزوی وی نیاز مبرمی به نیروی دریائی احساس میشد و در مقابل سفاین جنگی پرتقالیها چند قایق بادبانی ایران حکم عدم راداشت و تهیه چنان نیروی مجهزی نیز مدتها وقت و پول هنگفت میخواست و گذشت زمان هم جز زیان چیزی متوجه ایران نمیساخت، با این محاسبه بر آن شد از بیگانه های دیگر برای پیش بردن مقاصد وطنخواهانه خود استفاده کند...

در آن زمان کمپانی هند شرقی خربدار بزرگ ابریشم ایران در میناب نمایندگی داشت و ادوارد مونکس (۷) نماینده کمپانی در ایران بود. این کمپانی

برای حمل کالای تجاری تعدادی کشتی در اختیار داشت که می‌توانست برای نبرد با پرتغالیها مورد استفاده ایرانیان قرار گیرد ، خان فارس به منظور در دست گرفتن این کشتیها روز ۲۴ صفر ۱۰۳۱ به میناب رفته و با ادوارد مونکس ملاقات نمود و رسماً خواست که نیروی دریائی انگلیس مقیم خلیج فارس در جنگ هرموز بنفع ایران وارد جنگ با پرتغالیها شود . در مقابل این همکاری ایران سعی خواهد نمود بمناسبت تجاری خود با انگلیسها توسعه داده و شرایط پیشنهادی آنها را مطالعه و در صورت شرافتمندانه بودن قبول نماید ، ادوارد مونکس که گوئی از مدتها پیش بانتظار چنین لحظه‌ای بود بلافاصله شرایط پیشنهادی شرکت هندی شرقی را در پنج ماده مطرح نمود . . .

۱ - در صورتیکه جهازات انگلیسی باعث غلبه نیروی ایران و تسخیر هرموز گردد غنائم جنگی بتساوی میان هر دو طرف تقسیم شود . -

۲ - قلعه پرتغالیها در هرموز با تمام توپخانه و ذخایر جنگی آن به انگلیسها واگذار شود ، اگر دولت ایران مایل باشد ممکن است قلعه دیگری با خرج خودش در جزیره هرموز بسازد .

۳ - در آمد گمرکی جزیره هرموز بطور مساوی میان دولین انگلیس و ایران تقسیم شود و همه کالا های تجارتی انگلیس از پرداخت گمرک و عوارض دیگر معاف باشد .

۴ - پس از پایان جنگ اسیران مسیحی به انگلیسها و اسیران مسلمان بایرانیان واگذار شوند .

۵ - دولت ایران نصف مخارج کشتیها و خوراک و حقوق کارکنان آنها و خسارت جنگ را بر عهده بگیرد . بعلاوه برای کشتیها باروت و مواد ناریه فراهم کند . (۸)

پیشنهاد انگلیسها کاملاً یکطرفه بود و در واقع دولت ایران از چاله بیرون آمده بچاه سرنگون میشد خان تیزهوش فارس نمیتوانست تسلیم چنین پیشنهادی بشود و در دسر دیگری برای ایران درست کند ، بعد از مذاکرات زیادی مواد پنجگانه را بشرح زیر اصلاح نمود :

۱ - بعد از پیروزی در نبرد هرموز غنائم جنگی میان طرفین به تساوی تقسیم گردد .

۲ - در صورت موافقت شاه عباس جزیره هرموز را پادگان مختلطی از

ایرانیان و انگلیسها اداره خواهند نمود.

۳ - مال التجاره ای که بنام شاه و امامقلیخان فرستاده خواهد شد از حقوق گمرگی و سایر عوارض مضاف بوده و دولت انگلیس باید حق گمرکی را مطابق معمول نسبت به سهم ایران پرداخت نماید.

۴ - کلیه اسرای مسلمان به ایرانیان و مسیحی به انگلیسها تحویل خواهد شد بجز حاکم پرتغالی جزیره و رئیس ناوگان آنها که استردادشان با انگلیس منوط بصدور اجازه رسمی شاه عباس خواهد بود.

۵ - دولت ایران نصف هزینه خوراک و حقوق و سایر مایحتاج انگلیسها را در این نبرد متقبل می شود و تهیه باروت و آلات و مواد ناربه ازین شرط مستثنی نخواهد بود.

مواد ۳ و ۲ قرارداد که مالکیت انگلیسها را بر جزیره هرموز تثبیت مینمود کاملاً تغییر نمود و کاخ آرزوی آنها را بهم فرو ریخت و مواد ۵ و ۴ نیز تغییراتی کرده که از لحاظ حیثیت ایران ضروری بوده است، وسعت دید سیاسی و روحیه ایرانخواهی خان فارس یکبار دیگر به اجنبی ثابت نمود که این ملت تاجان بتن دارد از شخصیت و شرف ملی خود دفاع مینماید، این تغییرات ادوارد مونکس را بر آن داشت تا از قبول پیشنهاد ایران سر باز زند، اگر چه قبلاً «فرنگیه انگلیسیه از جانب والی انگلیس بدرگاه خلیفه پناه آمده اظهار صداقت و اخلاص...» (۹) نموده و قول داده بودند که اگر ایران برای کوتاه کردن دست پرتغالیها از جزیره هرموز اقدام نماید حاضر به همه نوع کمک و مساعدت هستند ولی چون پای اقدام پیش گذاشته شد شرایط عجیبی پیشنهاد کردند و در واقع خواستند از زیر بار قولیکه داده بودند شانه خالی نمایند، اما امامقلیخان حریفی سرسخت و لجوج وجدی و بی پروا و سریع العمل بود. بالحن صادقانه به آنها اخطار نمود «که اگر در جنگ ایران و پرتغال با شاه ایران یاری و همکاری نکنند تمام ابریشمی که در ایران دارند توقیف خواهد شد و امتیازات تجارتی که از آن پیش گرفته اند از میان خواهد رفت» (۱۰) انگلیسها چون به بیان حتمی الاجرای خان وقوف داشتند تسلیم پیشنهاد ایران شدند.

پی پترو دولواله در صفحه ۴۰۴ جلد ششم سفرنامه خود مدعی است که:

«امامقلیخان قرار داد را بصورتی که خود میخواست بفارسی تنظیم کرده بود و نمایندگان شرکت بگمان اینکه اوعین مذاکرات خود را با ایشان بر کاغذ آورده

است آنرا امضا کردند و چون فارسی نمیدانستند به تغییراتی که خان بهیل خود در آن داده بود پی نبردند... الخ» (۱۱) اما این نوشته مغرضانه و نادرست است زیرا اولاً قرارداد در دو نسخه فارسی و انگلیسی تنظیم یافته بود: «پس دو کاغذی را که قیطان سبز رنگ ابریشمی دور هر يك بسته شده بود از دست مترجم هندی گرفته یکی از آنها را باز کرد و تسلیم خان نمود، خان هم متن آنرا که بفارسی تحریر شده بود خواند...» (۱۲) و می بینیم که اولاً قرارداد از جانب انگلیسها تسلیم گردیده نه ایرانیان، ثانیاً انگلیسها مردمی نیستند که بدون علم و اطلاع به مفاد قرار دادی آنرا قبول نمایند و این مخالف زیرکی خاص قوم انگلوساکن است و نمی شود قبول کرد که مترجم تغییرات حاصله را برای نمایندگان انگلیس ترجمه نموده باشد ثالثاً خان فارس نیازی به تزویر و اغفال نداشت و قتیکه بالصراحه اعلام مینماید در صورتیکه شاه از عدم همکاری شما رنجیده شود ممکن است امتیازاتی را که بشما اعطاء کرده است لغو نماید و من نیز ناچار شوم برای اطاعت از امر مبارک از دوستی دیرین خویش باشما چشم پوشیده ابریشمها و سایر کالاهای شرکت را که در راه اصفهان است و باید بجنوب برد ضبط کنم و ازینرو خسارات فراوان متوجه شرکت شما و تاجر انگلیسی شود.» (۱۳) رابعاً انگیزه ای نداشت که دولت ایران هزینه نبرد و تلفات فرزندان خود را بخاطر هیچ قبول و تحمّل نماید و جزیره ایرا بگیرد و تسلیم دیگری کند و از حقوق مسلم خود چشم پویشد.

با اینکه اطلاعات پی یتر و دولاوله از دوران صفویه وسیع و تاحسدود زیادی مقرون بصحت است معلوم نیست در این مورد بخصوص چگونه چنین ادعائی مینماید در حالیکه خود نیز آن زمان در لار بوده است؟

بهر حال تسلیم انگلیسها بقرارداد اصلاحی امامقلیخان را به تسریع عمل و ادا داشت، به قنبر بیگ حاکم لار دستور داد نسبت به جزیره هرموز ادعای مالکیت و درخواست خراج نماید، از آنسوی نیز نمایندگی هند شرقی جریان قرارداد را بمرکز کمپانی در هند اطلاع داد، شورائی بریاست توماس روستل (۱۴) تشکیل و موافقت شد «کشتی لندن و کشتی بی شرع شیلینگ بفرماندهی کاپیتان بلدیت کشتی های جوناس و هویل و دلفین ولاین و سه کشتی بی شرع رز و رابرت و ریچارد بفرماندهی کاپیتان و دل» (۱۵) بعبارف ایران حرکت نموده در نبرد ایران با پرتغالیها شرکت جویند.

در این زمان که يك واقعه تاریخی عظیم در شرف تکوین بود و فرانسيسكو

دوسوزا (۱۶) حاکم برتقالی جزیره هرموز در گذشته و نایب السلطنه برتقالی هند سیمون دوملوز (۱۷) را بجان‌شینی وی منصوب نموده بود قنبر بیکه ادعای حاکمیت بر جزیره رامطرح ساخت ولی سیمون دوملوز شتابزده جواب نامساعدی فرستاد و بدین ترتیب آتش افروز جنگی حساب شده گردید، بیدرنگ بفرمانده کشتیهای پرتقالی روی فری برادران داد (۱۸) دستور داد بهر نوع عمل ایرانیان و متحدان انگلستان با گلوله و آتشبارهای کشتی جوابگو باشند.

امامقلی خان به شاهقلی بیکه دستور داد با سپاهیان فراوان به جزیره قشم حمله ور شده کار پرتقالیها را بسازد و برای اینکه توجه دشمن را معطوف دارد از متحدین انگلیسی خواست که با سفاین جنگی بسوی هرموز رهسپار گردند تاراه کومک به پرتقالیهای مقیم قشم بسته شود، نقشه خان فارس کاملاً دقیق بود، پرتقالیها هنوز عظمت این آرایش جنگی را درک نکرده بودند که شاهقلی بیکه توانست قلعه قشم را بعد از جنگی نسبتاً مهم محاصره نماید، روی فری را برای درهم شکستن محاصره دستور داد توپهای کشتیها را بقلعه برند، ناوهای رزمی انگلیس که دستور داشتند از روش غافلگیری استفاده نمایند، فوراً مسیر خود را منحرف ساخته و از راه دریا قلعه قشم را زیر آتش توپهای خود گرفتند از دوسو سرب و آتش بر سر مدافعین ریخته میشد.

اشتباه روی فری را در خلع سلاح کشتیها بود و چون خود را کاملاً در محاصره دید نماینده‌ای نزد خان فارس که شخصاً در نبرد شرکت بسته بود فرستاد و اعلام داشت چنانچه دولت ایران ترك محاصره نماید حاضر است کلیه هزینه های جنگی را پرداخت نماید اما امامقلی خان توجهی به پیشنهاد او نکرد، سپاهیان ایرانی به کوششی عظیم برخاستند و بالاخره توانستند قسمتی از دیوارهای دژ قشم را ویران کنند.

فروریختن دیوارها روی فری را داننداراداراً به تسلیم مشروط واداشت، او از خان درخواست نمود بکلیه پرتقالیها که در حدود دو بیست نفر بودند اجازه داده شود با اسلحه و دارائی خویش سوار کشتی شده عازم جزیره هرموز گردند و همچنین به اهالی و ایرانیانی که بیاری خارجیها بر خاسته بودند امان داده شود ولی این شروط هیچوقت رعایت نگردید، بموجب قرارداد پرتقالیها تحویل انگلیسها شدند و خان فارس امیر زین الدین محمد فرمانده اعراب ساکن قشم را بجرم همکاری با دشمن بمرگ محکوم و سیاست نمود.

قدم اساسی برای تسخیر هرموز برداشته شده بود «روز ۲۸ ربیع الاول سال ۱۰۳۱ هجری مطابق با نهم فوریه ۱۶۲۲ میلادی امامقلی خان باتفاق سرداران سپاه خود ، علیقلی بیگک و پولاد بیگک و شارقملی محمدسلطان و علی بیگک با سه کشتی جنگی و سه هزار سپاهی آزموده و جنگاور ... » عازم جزیره هرموز گردید و در همان روز موفق به پیاده کردن نیرو و در هر مز گردید ، سرعت عمل خان پرتقالیها را در تنگنای خاصی قرارداد و محمود شاه که میدانست تابمقابله را ندارد خود را به پناه اربابان خارجیش کشانید ، سیمون دوملو فوراً قلعه را مستحکم نمود و آنگاه ب-فای از شهر پرداخت ولی شهر قدرت دفاعی چندان نداشت خیلی زود سقوط کرد و پرتقالیها و همه زنان آنها بداخل قلعه معروف هرموز پناه بردند . (نا تمام)

۱- Dongarcia de Silva-y Figueroa

۲- Pietro dolla Valle

۳ - صفحات ۱۰۰ و ۱۰۱ سیاست خارجی ایران در دوران صفویه .

۴ - صفحه ۱۱۷ سیاست خارجی ایران در دوران صفویه .

۵ - صفحه ۹۸۰ جلد سوم عالم آرای عباسی چاپ تهران .

۶ - صفحات ۹۸۱ و ۹۸۰ جلد سوم عالم آرای عباسی .

۷- Edvard Monox

۸ - مجله روز گارنو جلد دوم سال ۱۹۴۴ صفحات ۲۴ و ۲۵ چاپ لندن .

۹ - صفحه ۹۸۱ جلد سوم عالم آراه عباسی .

۱۰ - صفحه ۸ خلیج فارس نوشته احمد اقتداری .

۱۱ - حاشیه صفحه ۱۵۰ سیاست خارجی ایران در دوران صفویه .

۱۲ - صفحه ۲۸ جلد ۴ شماره ۲ سال ۱۹۴۴ مجله روز گارنو .

۱۳ - رجوع شود به مجله روز گارنو صفحه ۲۸ جلد ۴ شماره ۲

سال ۱۹۴۴

۱۴- Thomas Rostell

۱۵ - حاشیه صفحه ۱۳۵ سیاست خارجی ایران در دوران صفویه

Dolphin - Whole - Jonas - Blithe - Shilling

Weddel - Richard - Robert - Rose - Lion

Francixo de sosa - ۱۶

Simon de Melo - ۱۷

Ruy Fricra d' Andrada - ۱۸